

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۱۸

اختر محمد یوسفی

شکل گیری بحران در افغانستان؟

دشمنان خارجی افغانستان بخصوص آغازگران بحران نخست از همه کشور همسایه افغانستان ایران و پاکستان که در کشور ما منافع مستقیم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نامشروع دارند با کمک ارتباطات بین المللی و حلقه‌های معین مرتبط داخلی افغان شان گاهی همگام مشابه و همزمان و گاهی هم متضاد و متفاوت اعمال تخریبی بیش‌رمانه خود را در افغانستان از مجرای های متعدد بر ضد منافع ملی میهن ما انجام میدهند.

فکتور ارتباطات پس پرده و قرار داشتن حلقه‌های معین داخلی افغانستان که نتیجه جنگ پنج دهه در خدمت دستگا های اطلاعات خارجی قرار گرفته اند، آنان نه تنها اعمال خائینانه بر ضد منافع ملی افغانستان انجام داده، بلکه مستقیماً آتش جنگ رقابتی بیگانگان را برای حفظ منافع شخصی و حلقوی شان تا سرحد نابود افغانستان ادامه میدهند. از آنجائیکه این حلقه‌های اجیر در مواضع دفاع منافع ملی کشور و ثبات آن قرار ندارند، بدون پیوند و غیر متعهد به حفاظت ارزشهای منافع ملی افغانستان می باشد. تغییر موقعیت شان بر حسب حفظ منافع شخصی و حلقوی شان از موقعیت به موقعیت دیگری صورت میگیرد. عدم ثبات آنان کشور را در مسیر بحران پی در پی و بی ثباتی کشانده است. برای این حلقه‌های اجیر در صورت حفظ منافع شخصی شان فرق ندارد که با کدام کشور دوست باشند.



بحران کنونی باغیان انتخابات با وجود آنکه در طی (19) سال گذشته از حمایت مستقیم مالی و نظامی مس ایالات متحده امریکا و ناتو برخوردار بودند، همچنین خصوصیات دوسره دبل اجنت دارد، بغاوتگران در عین زمان در پیش پرده با پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو و در پس پرده روابط خود را با ایران، روسیه و ترکیه نیز حفظ نمودند.

بغاوتگران اکنون پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو را قبول ندارد و به کمکهای ایران، روسیه و ترکیه دلبسته اند. از زمان آغاز جنگ داخلی (از سال 1993 م بعد) روسیه و جمهوری های شوروی، "اتحاد شمال" و بخصوص بعد از سال 1992 میلادی برهان الدین ربانی، مسعود و دوستم را در جنگ علیه طالبان که حمایت پاکستان و عربستان سعودی کمک کرده است.

ایتوی "روسیه" حکومت ربانی در سازمان ملل متحد چوکی خود را حفظ توانست با وجود اینکه طالبان تمام ولایت کشور در کنترل داشتند و کشور از کابل به هدایت ملا محمد عمر از قندهار رهبری میکردند. کمپنی تیل امریکایی یونیکال با نمایندگان طالبان مذاکرات پی در پی انجام میدادند و نمایندگان خود را بحیث دیپلمات فرستاده بودند، مگر در کشورهای غربی از حیثیت کورد دیپلماتیک برخوردار نبودند.

بعد از حوادث سپتمبر، که ایالات متحده "اتحاد شمال" را به حیث بدیل "طالبان" تعیین کرد، این "اتحاد نام نهاد" اتحاد شمال وارد میدان مقابله. این حمایت را اعلان کرده بود سلاح و مهمات ساخت روسی می جنگید. پوتین قبلاً وقتی کنفرانس "بن" دایر شد، و چندی ن قبل ربانی از فیض آباد آمد، گزارشات مطبوعاتی خبر داد که طیاره روسی هیاتی را به کابل فرستاد، تا یک روز قبل از کنفرانس بن، سفارت را فعال سازند و از طریق ربانی بدانند که چه می شود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی



در یک مطلب روزنامه «زوید دویچه سابتونگ» ۴ جنوری ۱۹۹۴م) تحت عنوان «هیچ امید برای افغانستان وجود ندارد»، که در سطر فوقانی صفحه روزنامه می نویسد، مدعی است که:

«افغان ها از مخالفین بیگانه هیچگاه ترس جدی نداشته اند. تا الحال هیچ کس بدان موفق نشده است، که این کشور آسیای میانه را مطیع خود سازد: در قرن ۱۹ قدرت جهانی برتانیه، در برابر مقاومت افغان ها شکست خورد. در قرن بیست هم، قدرت بزرگ شوروی. اما حال افغانستان را سقوط تهدید می کند. این کارگاه فقط ساخت دست خود افغان هاست. زیرا به همان شیوه لوجانه و سرسختانه که علیه اشغالگران می جنگیدند، حال علیه همدیگر می جنگند... از زمانی که ۲۰ سال قبل، حکومت کمونیستی نجیب الله سقوط داده شده است، جنگ گروپ های متخاصم علیه همدیگر، به زندگی بیش از ۱۰۰۰۰ (ده هزار) انسان خاتمه داده است. اکثریت قربانیان را افراد ملکی تشکیل می دهند. اینکه جنون افغانی قابلیت افزایش را داراست، روز تغییر سال نشان داد: ۳۰۰ کشته در یک آخر هفته، در پایتخت کابل در کم از کم شش محل قسمی، تقسیم شده است. یک حکومتار دهنده وجود ندارد. صدراعظم (هدف گلبدین حکمتیار) به خود حق می دهد، که قصر رئیس جمهور زیر فیر راکت قرار دهد. جبهات و اتحاد ها دائماً تغییر می یابند. رئیس مذهبی دولت اسلامی، اعلان جهاد، جنگ مقدس را علیه متحد قبلی خود، جنرال وقت کمونیست، صادر می سازد. همین شخص در عین حال راه را نمی یابد، تا با جدی ترین مذهبی کشور، خودش را متحد سازد. ختم جنگ همه علیه همه پیشبینی شده نمی تواند. قدرت طلبی شخصی، اختلافات "ایتنیکی"، جاه طلبی سیاسی قدرت های همسایه، نظیر پاکستان، ایران و ازبکستان، همه و همه اینها جنگ را زنده نگه می دارند. یگ امید، برای افغانسان وجود ندارد. در اخیر تجزیه کشور بوقوع پیوسته می تواند.»

پاکستان، ایران، ترکیه و سایر خارجی ها تحریکات خویش را هدفمند صرف با سؤ استفاده از نام قوم و مذهب به شیوه تفرقه به پیش میبرند، مگر بجز حلقات همکار و مربوط دستگاه استخباراتی شان با دیگر افراد همان قوم و مذهب هیچ نوع دلسوزی خاصی ندارند.

اول – پاکستان:

نمونه مثال مستند ترجع استخبارت پاکستان در بین شخصیت های "جهادی" قوم پشتون چنین است. در عکس اول طرف چپ گلبدین حکمتیار در پذیرایی گارد پاکستان، قوماندان عبدالحق در عکس وسط با افراش سر سنگها نشسته، و حامد کرزی با بینظیر بوتو.



در حالیکه هر سه گلبدین حکمتیار، قوماندان عبدالحق و حامد کرزی از قوم پشتون بودند استخبارات پاکستان در طی چهل و پنج سال متواتر تا اکنون از گلبدین حکمتیار مستقیماً حمایت میکند، مگر در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی همزمان با آغاز عملیات ایالات متحده امریکا و ناتو با ورود قوماندان عبدالحق در افغانستان آی. اس. آی. پاکستان به طالبان اطلاع دادند و قوماندان عبدالحق را بصورت عاجل بقتل رساندند. بر علاوه پاکستان همان قاتلان قوماندان عبدالحق را (۱۸) سال حمایت کردند، تلاش دارند تا طالبان دوباره قدرت را در افغانستان بدست بگیرند. دوم- ایران: مثال مستند ترجع اقوام هزاره و پیروان مذهب شیعه را در افغانستان ببیند. در عکسهای زیر از راست داکتر عبدالواحد سرابی هزاره، در عکس وسط داکتر رمضان و بشردوست هزاره، بطرف چپ محمد محقق شاگرد مدرسه خمینی ایران هزاره.



اخوند محمد محقق هزاره



داکتر بشردوست هزاره



داکتر عبدالواحد سراپی هزاره

در حالیکه هر سه شان از قوم هزاره هستند مگر داکتر عبدالواحد سراپی و داکتر رمضان و بشردوست دارای تحصیلات دوکتورا بوده از اینکه افغانستان کشور خود را از دل و جان دوست دارند، مورد نظر و حمایت ایرانیان نیستند. ایرانیان برای اهداف شوم شان به کسانی مانند کریم خلیلی و اخوند محمد محقق ضرورت دارند که تا برای منافع ایران در افغانستان کار کنند و از حمایت ایران برخوردار باشند.